


A Comparative Study of The Comparability of Financial Reporting in the Three Countries of Iran, Indonesia and Italy

Younes Ekhtiari 

Ph.D. Student., Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, ekhtiari.yones@gmail.com

Seyyed Hossein Sajjadi*

Professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, h_sajadi@sbu.ac.ir

Mohammad Hosein Safarzadeh 

Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, m_safarzadeh@sbu.ac.ir

Abstract

Purpose: Standard setting committees have made it their common goal to develop high quality accounting standards for use in global capital markets. Because they believe that a common set of high-quality accounting standards increases the comparability and efficiency of financial statements and reports and enables global markets to move with less friction. In other words, increasing comparability is the ultimate goal of various professional boards and associations around the world. The aim of the research is to answer the question that, despite all the efforts to increase comparability at the international level, has this been achieved?

Method: In the current research, 171 companies during the period of 2012-2021, 1391-1400, have been investigated using pooled/paned regression models and t-statistic with two independent samples.

Results: The research findings show that during the research period, the comparability of financial reporting increased in Indonesia and Iran, while it decreased in Italy.

Conclusion: The results show that the average comparability of financial reporting in the developed country of Italy was higher than in the developing country of Iran, and lower than in the emerging country of Indonesia. Also, the average level of comparability of financial reporting in the emerging country of Indonesia has been higher compared to the developing country of Iran.

Contribution: Investigating the process of comparability in a comparative manner with other countries, and quantitatively calculating comparability using Barth's model, which has increased the richness and development of theoretical foundations within the country.

Keywords: Comparability, financial reporting, comparative study

Research Article

Cite this article: Ekhtiari, Sajjadi & Safarzadeh (2024) A Comparative Study of The Comparability of Financial Reporting in the Three Countries of Iran, Indonesia and Italy, Journal of Financial Accounting Knowledge, Vol.10, NO.4, Winter, 1-25.

DOI: 10.30479/jfak.2024.19750.3160

Received on 24 December, 2023 **Accepted on** 30 January, 2024

© The Author(s). 

Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author: Seyyed Hossein Sajjadi (h_sajadi@sbu.ac.ir)

بررسی تطبیقی روند قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در سه کشور ایران، اندونزی و ایتالیا

یونس اختیاری^۱

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. ekhtiariy.yones@gmail.com

سید حسین سجادی*

استاد، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، h_sajadi@sbu.ac.ir

محمدحسین صفرزاده بندری^۱

استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران m_safarzadeh@sbu.ac.ir

چکیده

هدف: هیأت‌های تدوین استاندارد، توسعه استانداردهای حسابداری با کیفیت بالا برای استفاده در بازارهای سرمایه جهانی را هدف مشترک خود قرار داده‌اند. زیرا معتقدند که مجموعه مشترک استانداردهای حسابداری با کیفیت بالا، قابلیت مقایسه و کارایی صورت‌ها و گزارش‌های مالی را افزایش می‌دهد و بازارهای جهانی را قادر می‌سازد تا با سایش کمتری حرکت نمایند. به بیان دیگر افزایش قابلیت مقایسه هدف نهایی هیأت‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای مختلف در سراسر جهان می‌باشد. هدف پژوهش پاسخ به این سوال است که، علیرغم تمامی تلاش‌ها در راستای افزایش قابلیت مقایسه در سطح بین‌المللی آیا این امر محقق گردیده است؟

روش: در پژوهش حاضر، صد و هفتاد و یک شرکت طی دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۴۰۰ (۲۰۱۲-۲۰۲۱)، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. جهت تعیین مقایسه‌پذیری گزارشگری مالی، از مدل بارث، و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از تحلیل‌های رگرسیونی تلفیقی/ترکیبی و از آماره t با دو نمونه مستقل، استفاده بعمل آمده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که طی دوره پژوهش، قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشورهای اندونزی و ایران افزایش یافته، در حالی که در کشور ایتالیا، کاهش یافته است.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان دهنده این است که، میانگین مقایسه‌پذیری گزارشگری مالی در کشور توسعه‌یافته ایتالیا نسبت به کشور در حال توسعه ایران، بیشتر، و نسبت به کشور نوظهور اندونزی، کم‌تر بوده است. همچنین میانگین سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور نوظهور اندونزی در مقایسه با کشور در حال توسعه ایران، بیشتر بوده است.

دانش‌افزایی: بررسی روند قابلیت مقایسه به صورت تطبیقی با کشورهای دیگر، و محاسبه کمی قابلیت مقایسه با استفاده از مدل بارث، که این امر سبب افزایش غنا و توسعه مبانی نظری در داخل کشور گردیده است.

واژگان کلیدی: قابلیت مقایسه، گزارشگری مالی، مطالعه تطبیقی

مقاله پژوهشی

*مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «قابلیت مقایسه اطلاعات گزارشگری مالی»

^۱استاد: اختیاری، سجادی و صفرزاده بندری (۱۴۰۲)؛ بررسی تطبیقی روند قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در سه کشور ایران، اندونزی و ایتالیا، فصلنامه علمی دانش حسابداری مالی، مقاله پژوهشی، دوره ۱۰، شماره ۴، پیاپی ۳۹، زمستان ۱۴۰۲، ۱-۲۵.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۰۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) © حق مؤلف نویسندگان

۱- مقدمه

بازارهای اوراق بهادار کارا به عنوان اصلی‌ترین نهاد مشارکت شرکت‌های سهامی، مناسب‌ترین ابزار هدایت پس‌اندازهای داخلی و سرمایه‌های خارجی به سوی فعالیت‌های تولیدی پربازده هستند. به بیان دیگر، بازارهای سرمایه و به ویژه بازارهای سرمایه کارا، نقش بسیار مهمی در تخصیص بهینه منابع دارند و سرمایه‌گذاران نیز بر مبنای اطلاعات موجود و در دسترس، اقدام به تصمیم‌گیری در خصوص تخصیص منابع می‌نمایند. آنچه مسلم است کشورهای توسعه‌یافته و پیشرفته صنعتی در مقایسه با کشورهای در حال توسعه و نوظهور، دارای بازارهای سهام کارا تر و توسعه‌یافته‌تری هستند (تیوری و نامپی، ۲۰۱۵؛ ۵۳). در این راستا، یکی از اولین شرط‌های اساسی در جهت کسب اطمینان اعتباردهندگان و سرمایه‌گذاران در راستای فعالیت‌های سازنده اقتصادی و در نتیجه توسعه اقتصادی، تهیه و ارائه اطلاعاتی است که در اتخاذ تصمیمات مالی، تجاری و اقتصادی آنان اثر بخش باشد. اطلاعات حسابداری و گزارشگری مالی، از جمله این اطلاعات است که می‌تواند بر تخصیص بهینه سرمایه و در نتیجه، بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیرگذار باشد (چن و همکاران، ۲۰۱۸؛ ۱۷۲). به بیان دیگر، اطلاعات حسابداری و گزارشگری مالی با کیفیت بالاتر، با بهبود کارایی سرمایه‌گذاری و تخصیص بهینه منابع مرتبط است (بیدل و همکاران، ۲۰۰۶؛ ۱۱۶). زیرا گزارشگری مالی با بالاترین کیفیت، سبب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران و مدیران شده، در نتیجه کارایی سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد (هیل و همکاران، ۲۰۱۰؛ ۳۶۰). در این راستا، قابلیت مقایسه گزارشگری مالی، ضمن افزایش کیفیت کلی اطلاعات مالی، درک و ارزیابی عملکرد شرکت و پیش‌بینی جریان‌های نقدی توسط سرمایه‌گذاران را ساده‌تر می‌کند (حبیب و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۳۸۸). از این رو، بدون وجود اطلاعات قابل مقایسه به عنوان یکی از مهمترین ویژگی‌های کیفی گزارشگری مالی، نمی‌توان تصمیمات بهینه اتخاذ نمود. قابلیت مقایسه، بر مبنای پاسخ و واکنش حسابداری شرکت به یک رویداد اقتصادی، قابل سنجش و اندازه‌گیری است. مقایسه‌پذیری (قابلیت مقایسه)، استفاده‌کنندگان از گزارشگری مالی را قادر می‌سازد تا تفاوت‌ها و شباهت‌ها در میان اطلاعات مالی را شناسایی کنند. یعنی دو شرکت در مواجهه با مجموعه‌ای از رویدادهای اقتصادی مشابه، هر چه حسابداری بین شرکت‌ها، قابل مقایسه‌تر باشد، صورت‌های مالی آن‌ها نیز مشابه هم خواهند بود (دهوله و همکاران، ۲۰۲۱؛ ۲). بنابراین قابلیت مقایسه، سبب افزایش کیفیت گزارشگری مالی شده و در نهایت به تخصیص بهینه منابع در سطح جهانی کمک می‌نماید. به دلیل اهمیت قابلیت مقایسه، هدف پژوهش حاضر بررسی روند مقایسه‌پذیری در طی سال‌های گذشته می‌باشد.

هیأت استانداردهای حسابداری مالی^۱ به همراه هیأت استانداردهای حسابداری بین‌المللی^۲ نیز بر هدف مشترک توسعه استانداردهای حسابداری با کیفیت بالا برای استفاده در بازارهای

سرمایه جهانی تأکید دارند. زیرا هر دو هیأت معتقدند که مجموعه مشترک استانداردهای حسابداری با کیفیت بالا، قابلیت مقایسه و کارایی صورت‌ها و گزارش‌های مالی را افزایش می‌دهد و بازارهای جهانی را قادر می‌سازد تا با سایش کمتری حرکت نمایند (هیأت استانداردهای حسابداری مالی، ۲۰۲۳). بنابراین استانداردهاگذاران در طی سال‌های گذشته تمام تلاش خود را در راستای استانداردگذاری همگرا با افزایش قابلیت مقایسه بکار برده‌اند، تا گزارشگری مالی با حداکثر مقایسه‌پذیری تهیه گردد. به بیان دیگر افزایش قابلیت مقایسه هدف نهایی هیأت‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای مختلف در سراسر جهان می‌باشد. حال این سوال مطرح می‌شود که علیرغم تمامی تلاش‌ها در راستای افزایش قابلیت مقایسه در سطح بین‌المللی آیا این امر محقق گردیده است؟

در بررسی مبانی نظری بعد از سال ۲۰۰۰، عمده پژوهش‌های انجام شده در خصوص قابلیت مقایسه در داخل و خارج کشور، در چهار بخش: ۱. تأثیر قابلیت مقایسه بر ... ۲. تأثیر ... بر قابلیت مقایسه ۳. بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه و ... ۴. روند (افزایش، کاهش) قابلیت مقایسه، طبقه‌بندی می‌شود. پژوهشگران عمدتاً، اثر یک موضوع بر قابلیت مقایسه، و یا اثر مقایسه‌پذیری را بر برخی عوامل سنجیده‌اند، در کنار این دو حوزه، پس از سال ۲۰۰۵ و همه‌گیری استفاده از استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی، بیشتر پژوهش‌ها به بررسی اثرات ناشی از پذیرش این استانداردها بر قابلیت مقایسه پرداخته‌اند. در داخل کشور پژوهش‌های مختلف به بررسی رابطه قابلیت مقایسه با عوامل مختلف پرداخته‌اند، مثلاً رابطه بین قابلیت مقایسه با بدهی‌های شرکت توسط پژوهشگران مورد بررسی قرار گرفته است (عرب مازار یزدی و همکاران، ۱۴۰۱؛ ۹۵؛ ویسی زاده، صالحی، ۱۴۰۱؛ ۹۰؛ کلاتری و همکاران، ۱۴۰۰؛ ۱۴۵). در صورتی که بررسی نتیجه تلاش‌های صورت گرفته توسط تدوین‌گران استانداردها در راستای افزایش قابلیت مقایسه، کمتر مورد توجه بوده است. در داخل کشور مطالعه‌ای که روند قابلیت مقایسه را مورد بررسی قرار دهد، صورت نگرفته و در خارج از کشور، ایزوکاوا (۲۰۲۱؛ ۲۳۱) روند قابلیت مقایسه را صرفاً در کشور ژاپن در طول ۳۰ سال، و کاناوی (۲۰۲۲؛ ۱) مقایسه‌پذیری را صرفاً در کشورهای با اقتصاد توسعه یافته، همچنین کاناوی (۲۰۱۷؛ ۱) قابلیت مقایسه را در ۱۴ کشور با اقتصادهای بزرگ مورد بررسی قرار داده است.

با توجه به اینکه تلاش‌های صورت گرفته در خصوص افزایش قابلیت مقایسه در سطح جهانی در دو دهه گذشته رخ داده، بنابراین انجام مطالعه تطبیقی در اقتصادهای مختلف (توسعه یافته، نوظهور و در حال توسعه) ضروری به نظر می‌رسد، براین اساس قابلیت مقایسه در کشورهای ایتالیا و اندونزی به‌همراه ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. ایتالیا کمترین میانگین تولید ناخالص داخلی را در میان کشورهای توسعه یافته طی ده سال اخیر، و اندونزی نیز

کمترین را در در بین کشورهای نوظهور دارد، به این دلیل جهت مقایسه تطبیقی با ایران انتخاب گردیده است. در این پژوهش روند قابلیت مقایسه در بازه بلندمدت مورد بررسی قرار گرفته تا مشخص شود که آیا قابلیت مقایسه در حسابداری با توجه به تمامی تلاش‌های صورت گرفته در راستای همگرایی در حسابداری در طول دهه گذشته افزایش یافته است یا خیر؟ از این رو، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به پرسش اساسی زیر بوده است: آیا میزان قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در طول زمان (۱۰ سال گذشته) افزایش یافته است یا خیر؟ در این راستا، به بررسی تطبیقی روند قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در سه کشور ایران (در حال توسعه)، اندونزی (نوظهور) و ایتالیا (توسعه یافته) پرداخته شده است. جهت پاسخ به پرسش فوق قابلیت مقایسه در هر سه کشور با استفاده از مدل بارث و همکاران (۲۰۱۲) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از پژوهش به نهادهای تدوین‌کننده استانداردها بویژه سازمان حسابرسی کمک می‌کند تا تعیین کنند که آیا تلاش‌های آنها در راستای مقررات‌گذاری در حسابداری، طی سال‌های گذشته سبب افزایش مقایسه‌پذیری گردیده است یا خیر. همچنین در بررسی پژوهش‌های داخلی مشخص گردید که در محاسبه کمی قابلیت مقایسه بیشتر از مدل دی‌فرانکو^۳ و همکاران (۲۰۱۱) استفاده شده، در حالی که در این پژوهش از مدل بارث^۴ و همکاران (۲۰۱۲) استفاده گردیده، که این امر سبب افزایش غنا و توسعه مبانی نظری در داخل کشور گردیده است.

در ادامه مقاله، ابتدا مبانی نظری مطرح می‌گردد؛ سپس روش‌شناسی پژوهش، روش تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها، متغیرهای پژوهش، مدل و یافته‌های پژوهش و در نهایت در قسمت بحث و نتیجه‌گیری، نتایج پژوهش ارائه و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی بیان می‌شود.

۲- مبانی نظری

دی‌فرانکو و همکاران (۲۰۱۱؛ ۲۴۲) سیستم حسابداری را نوعی نقشه‌برداری از رویدادهای اقتصادی به صورت‌های مالی تلقی و نزدیکی سیستم حسابداری بین دو واحد گزارشگر را به عنوان مقایسه‌پذیری حسابداری تعریف کرده‌اند. ایشان معتقدند که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بسیار با اهمیت بوده، تا جایی که بیانیه مفهومی شماره ۸ هیأت استانداردهای حسابداری مالی، افزایش قابلیت مقایسه اطلاعات را یکی از مهم‌ترین دلایل نیاز به استانداردهای گزارشگری مالی مطرح کرده است. در چهارچوب نظری گزارشگری مالی کشور ایران نیز اشاره گردیده، زمانی که اطلاعات قابل مقایسه و قابل فهم نباشند، مفید بودن آن با وجود قابل اتکا و مربوط بودن، با محدودیت همراه خواهد بود (سازمان حسابرسی، ۱۴۰۲؛ ۸۹۵). از طرفی، توسعه اقتصادی و دستیابی به بازار سرمایه کارا در یک جامعه، نیازمند وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل مقایسه می‌باشد. در این راستا، هیأت استانداردهای حسابداری بین‌المللی (۲۰۲۳) معتقد است که اطلاعات مالی دارای ویژگی‌های کیفی اساسی چارچوب مفهومی (یعنی؛

اطلاعات مالی دارای ویژگی‌های مربوط بودن و ارائه منصفانه) تا میزان زیادی از ویژگی قابلیت مقایسه برخوردارند. رد (۲۰۰۲؛ ۲۳۱) در وصف ضرورت قابلیت مقایسه بیان می‌کند که می‌توان این نتیجه را گرفت که یک استاندارد حسابداری خوب که منجر به اطلاعات حسابداری قابل مقایسه برای معاملات اقتصادی مشابه می‌شود، بر یک استاندارد حسابداری کامل با گزینه‌های متعدد که قابلیت مقایسه کمتری ایجاد می‌کند، ارجحیت دارد. کیم و لیم (۲۰۱۶؛ ۱۳۴) به این نتیجه رسیدند که قابلیت مقایسه حسابداری به سرمایه‌گذاران اجازه می‌دهد تا عملکرد واقعی یک شرکت را با پراکندگی کمتر، دقت بهتر و به طور کارآمدتر استنباط نمایند. سرمایه‌گذاران از طریق کسب اطلاعات از شرکت‌های دارای صورت‌های مالی با سطح بالای قابلیت مقایسه، حتی در زمان عدم تمایل و ترجیح مدیران برای افشاء اطلاعات، قادر به کشف اطلاعات خاص شرکت، به‌ویژه اخبار بد خواهند بود. در نتیجه، مدیران شرکت‌های دارای سطح بالای قابلیت مقایسه، انگیزه‌های کمتری برای انباشت اخبار بد، به دلیل مزایای کم و هزینه‌های بیشتر موردانتظار، خواهند داشت.

حبیب و همکاران (۲۰۲۰؛ ۳۸۳) در مطالعه خود نتیجه‌گیری می‌کنند که، قابلیت مقایسه سبب کاهش هزینه‌های کسب اطلاعات، کاهش ریسک مرتبط با ارزیابی عملکرد و نیز کاهش عدم اطمینان جریان‌های نقدی شرکت و همچنین باعث افزایش کمیت و کیفیت اطلاعات در اختیار استفاده‌کنندگان خارج از شرکت شده و در نتیجه سبب کاهش نوسانات خاص بازده سهام می‌شود. لیم (۲۰۲۱؛ ۶) در پژوهشی به این نتیجه رسید که، قابلیت مقایسه به عنوان یکی از ویژگی‌های مهم اطلاعات مالی، ضمن کاهش هزینه تحصیل اطلاعات، استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی را در موقعیت بهتری برای ارزیابی عملکرد، از جمله در زمینه ارزیابی زمان، مقدار و قطعیت جریان‌های نقدی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی قرار می‌دهد. هیأت استانداردهای حسابداری مالی نیز معتقد است که به دنبال استانداردهای حسابداری جهانی با میزان بالای قابلیت مقایسه است که با مأموریت اصلی خود (یعنی، بهبود گزارشگری مالی با کیفیت و قابل مقایسه، به نفع تمامی استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری در بازارهای سرمایه) سازگار باشد. سرمایه‌گذاران، شرکت‌ها، حساب‌برسان و شاغلین حرفه‌ای بازار سرمایه، از سیستم گزارشدهی مالی برخوردار از سطح بالای قابلیت مقایسه در راستای همسویی نزدیک‌تر با استانداردهای مورد استفاده در سطح بین‌المللی، سود می‌برند. استانداردهای با سطح بالای قابلیت مقایسه این پتانسیل را دارند که هزینه‌ها را هم برای استفاده‌کنندگان و هم برای تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی کاهش دهند و بازارهای سرمایه جهانی را کارآمدتر کنند. کمیسیون بورس و اوراق بهادار نیز از هیأت استانداردهای حسابداری مالی انتظار دارد که در تدوین استانداردها، میزانی از مقایسه بین‌المللی را که برای منافع عمومی و برای حمایت از سرمایه‌گذاران، ضروری یا مناسب است مدنظر قرار دهد (هیأت استانداردهای حسابداری مالی،

۲۰۲۳). در خصوص اینکه آیا تلاش‌های نهادها، منجر به افزایش قابلیت مقایسه شده است یا خیر، ایزوکاوا (۲۰۲۱؛ ۲۳۱) با بررسی مقایسه اطلاعات حسابداری در ژاپن طی دوره ۳۰ ساله از ۱۹۸۸ تا ۲۰۱۷ نشان داد که در کشور ژاپن، قابلیت مقایسه در بلندمدت کاهش پیدا کرده و در راستای همگرایی با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نیز، قابلیت مقایسه بهبود پیدا نکرده است. این در حالی است که، کاناوی (۲۰۲۲؛ ۲۸۲۵) در پژوهشی قابلیت مقایسه را در کشورهای با اقتصاد پیشرفته مورد بررسی قرار داد. ۳۶ کشور با اقتصاد بزرگ در بازه سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۸ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که قابلیت مقایسه در طول زمان در کشورهای با اقتصاد بزرگ افزایش یافته است. ایشان همچنین به این نتیجه رسیدند که، قابلیت مقایسه در کشورهایی که از استانداردهای ملی همگرا با استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی استفاده می‌کنند، در بلند مدت از رشد بیشتری برخوردار می‌باشند. در حالی که کشورهایی که این استانداردها را پذیرفته‌اند به سطح بهینه مقایسه‌پذیری رسیده، و روند افزایش آن در بلند مدت کند می‌باشد. کاناوی (۲۰۱۷؛ ۱) در پژوهشی قابلیت مقایسه را در ۱۵ کشور پیشرفته طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ مورد بررسی قرار داد، نتایج نشان داد که قابلیت مقایسه در طول زمان افزایش یافته است.

بورگشتالر و همکاران (۲۰۰۶؛ ۹۸۷) در پژوهشی چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که، بازارهای سرمایه توسعه‌یافته‌تر، از سطح قابلیت مقایسه بالاتری برخوردار هستند. بازارهای بزرگتر مستلزم مقررات بهتر، نظارت بیشتر سرمایه‌گذاران، و در نتیجه افزایش تقاضا برای صورت‌های مالی با کیفیت بالا و سطح بالای قابلیت مقایسه است. یکی از زیر ساخت‌های لازم برای چنین توسعه‌ای، اطلاعات مالی با کیفیت بوده، بنابراین رابطه مستقیمی بین اندازه بازار سرمایه و قابلیت مقایسه وجود دارد. کاناوی (۲۰۱۷؛ ۵) معتقد است، اندازه بازار سرمایه، عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، مقایسه‌پذیری را تحت تاثیر قرار می‌دهد. ایشان بیان می‌کند، جهانی شدن سبب همگن شدن اقتصاد کشورها، و در نتیجه سبب افزایش قابلیت مقایسه می‌شود. همچنین کمیته سیستم مالی جهانی، توسعه بازار سرمایه را در کل دنیا در سال ۲۰۱۹ مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که، روند توسعه بازار سرمایه طی ۲۰ سال گذشته صعودی بوده و بازار اوراق بهادار در کل دنیا توسعه یافته است (کمیته سیستم مالی جهانی^۵، ۲۰۱۹؛ ۷). بر اساس داده‌های بانک جهانی (۲۰۲۳) در خصوص ارزش بازار شرکت‌های پذیرفته شده، در بورس ایران از سال ۲۰۱۰ (۸۷ میلیارد دلار) تا ۲۰۲۰ (۲۲۰ میلیارد دلار)، کشور ایتالیا از سال ۲۰۱۰ (۵۳۵ میلیارد دلار) تا ۲۰۲۰ (۶۸۶ میلیارد دلار) و کشور اندونزی از سال ۲۰۱۰ (۳۶۰ میلیارد دلار) تا ۲۰۲۰ (۴۹۶ میلیارد دلار)، توسعه بازارهای مالی در هر سه کشور را طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد.

ایمهوف و همکاران (۲۰۱۷؛ ۱۳۱) معتقدند، همگرایی استانداردهای حسابداری، قابلیت مقایسه بین کشوری را افزایش می‌دهد. کای و وانگ (۲۰۱۰؛ ۲۵) به این نتیجه رسیدند که، پذیرش (همگرایی) استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی، سبب افزایش یکپارچگی در بازارهای سرمایه جهانی گردید. پژوهشگران متعدد به این نتیجه رسیدند که پذیرش (همگرایی) استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی سبب بهبود شفافیت، کیفیت اطلاعات مالی و مقایسه‌پذیری گزارشگری مالی در طول سال‌های گذشته گردیده است (دی‌جورج و همکاران، ۲۰۱۶؛ ۸۹۸؛ هانگ و یین، ۲۰۲۰؛ ۳۰۱؛ اوپاره، ۲۰۲۰؛ ۱؛ وانگ، ۲۰۱۴؛ ۹۵۵؛ جایرامان و وردی، ۲۰۱۴؛ ۱). کشور ایتالیا همگام با سایر کشورهای اتحادیه اروپا استفاده از استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی را الزامی نموده و کشورهای ایران و اندونزی نیز استانداردهای خود را با این استانداردها همگرا نموده‌اند، نتیجه این امر افزایش قابلیت مقایسه در طول زمان در هر سه کشور می‌باشد. بر این اساس (توسعه بازارهای مالی و پذیرش یا همگرایی)، می‌توان فرضیه اول تا سوم پژوهش را بشرح زیر تدوین نمود:

۱- روند قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور توسعه‌یافته ایتالیا صعودی است.

۲- روند قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور نوظهور اندونزی صعودی است.

۳- روند قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور در حال توسعه ایران صعودی است.

کمیته سیستم مالی جهانی معتقد است، از بعد اندازه، تفاوت‌های قابل توجهی در اندازه بازارهای سرمایه در بین اقتصادها وجود دارد. بازارهای سرمایه در اقتصادهای نوظهور، عمیق شدن گسترده‌ای را تجربه کرده‌اند، اما کوچکتر از بازارهای اقتصادهای پیشرفته هستند. عبارتی اندازه بازارهای سرمایه اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه صعودی است، اما شکاف نسبت به بازارهای اقتصادهای پیشرفته همچنان باقی است. از روند توسعه بازار سرمایه طی ۲۰ سال گذشته، نتیجه‌گیری می‌شود که اولاً تفاوت‌های قابل توجهی در اندازه بازار سرمایه نسبت به تولید ناخالص داخلی در بین اقتصادها وجود دارد. دوماً، بازارهای سرمایه اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه، در حال توسعه هستند اما شکاف نسبت به اقتصادهای پیشرفته را کم نکرده‌اند (کمیته سیستم مالی جهانی، ۲۰۱۹؛ ۱۵). بر این اساس علاوه بر توسعه بازار سرمایه، این توسعه‌یافتگی در تمام کشورها یکسان نیست. از طرفی کیفیت گزارشگری مالی در طول سال‌های گذشته متناسب با توسعه بازار سرمایه افزایش یافته ولی در تمام کشورها به یک میزان نبوده، بنابراین قابلیت مقایسه نیز در کشورهای توسعه یافته بیشتر از نوظهور، و در کشورهای در حال توسعه کمترین می‌باشد.

روس و همکاران (۲۰۲۰؛ ۶۹) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که، شرکت‌های بزرگ و بالغ صورت‌های مالی قابل مقایسه را برای نشان دادن اعتبار، مشروعیت و حفظ شهرت خود تهیه می‌کنند. شرکت‌های بزرگتر با یکدیگر قابل مقایسه‌تر از شرکت‌های کوچکتر هستند. مطالعات

متعددی نشان می‌دهد که شرکت‌های بزرگ، گزارشگری مالی مقایسه‌پذیرتری را ارائه و سبب افزایش قابلیت مقایسه گزارشگری مالی می‌شوند (حبیب و حسن، ۲۰۱۷؛ ۴۶۵؛ لنگ و لاندهولم، ۱۹۹۳؛ ۲۴۵؛ روس و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۶۹). مجله فورچون^۶ (۲۰۲۳) لیست ۵۰۰ شرکت بزرگ دنیا به تفکیک کشورها را منتشر نمود، که بزرگترین و ثروتمندترین شرکت‌ها بیشتر در کشورهای توسعه یافته فعالیت دارند. در این رتبه‌بندی شرکت‌هایی از کشورهای نوظهور نیز مشاهده می‌شود ولی تعداد آنها کمتر می‌باشد. وجود تعداد بیشتری از شرکت‌های بزرگ در کشورهای توسعه یافته سبب تهیه اطلاعات مالی قابل مقایسه‌تر نسبت به دیگر کشورها می‌شود. بر اساس مبانی نظری فوق فرضیه چهارم بشرح زیر تبیین می‌شود:

۴- قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور توسعه یافته ایتالیا نسبت به دیگر کشورها (کشور در حال توسعه ایران و کشور نوظهور اندونزی) بیشتر است.

اقتصاد زیربنایی کسب و کار تأثیر قابل توجهی بر کیفیت گزارش‌های مالی و کیفیت حسابرسی دارد (گاینور و همکاران، ۲۰۱۶؛ ۳). کاناوی (۲۰۱۷؛ ۲۵) معتقد است که کشورهای با مقررات قوی‌تر به حداکثر قابلیت مقایسه گزارشگری مالی خود رسیده‌اند. به بیان دیگر کشورهای با اقتصاد پیشرفته، به دلیل اعمال قوانین قوی در این حوزه، از مقایسه‌پذیری بیشتری در گزارشگری مالی برخوردارند، بنابراین قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در اقتصادهای نوظهور نسبت به اقتصادهای در حال توسعه بیشتر می‌باشد. بایراکتار و همکاران (۲۰۲۳؛ ۱۳۰۳) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که، در اقتصادهای توسعه یافته به سبب وجود ساختارهای نهادی قوی، بازارهای مالی نیز توسعه یافته، و به دلیل اجرای قوانین سخت‌گیرانه کیفیت گزارشگری مالی افزایش یافته است.

آگراوال و چاندا (۲۰۰۵؛ ۳۷۱) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که، کیفیت گزارشگری مالی و نقش راهبری شرکتی در بهبود آن، در نهایت منجر به ایجاد جو اعتماد و اطمینان در بازارهای سرمایه و در نتیجه تخصیص بهینه می‌شود. پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که راهبری شرکتی سبب افزایش کیفیت گزارشگری مالی و در نهایت افزایش مقایسه‌پذیری آن می‌شود (حسن و همکاران، ۲۰۲۲؛ ۱۳۰۸؛ قاردی و همکاران، ۲۰۲۳؛ ۱؛ نگوک و همکاران، ۲۰۲۳؛ ۱). قوانین و رهنمون‌های راهبری شرکتی را بیشتر کشورهای توسعه یافته، مانند کانادا، فرانسه، آلمان، هند و .. وضع کردند (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۷، ۲۰۰۴؛ ۴). در بررسی رتبه-بندی راهبری شرکتی کشورها به وضوح مشخص است که بیشترین رتبه عموماً متعلق به کشورهای توسعه یافته و نوظهور (به عنوان مثال استرالیا، اتریش، دانمارک، فنلاند، کره جنوبی، نروژ، ترکیه و ...) بوده و در انتها کشورهای در حال توسعه قرار دارند (رتبه‌بندی SAHA، ۲۰۲۳). نظر به اقتصاد زیربنایی کشورها و اینکه راهبری شرکتی سبب افزایش قابلیت مقایسه گزارشگری مالی می‌شود، می‌توان فرضیه پنجم را به شرح زیر مطرح نمود:

۵- قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور نوظهور اندونزی نسبت به کشور در حال توسعه ایران بیشتر است.

در ادامه به بیان مدل‌های اندازه‌گیری قابلیت مقایسه پرداخته می‌شود: مدل دی‌فرانکو و همکاران (۲۰۱۱): ایشان معتقدند دو شرکت، زمانی سیستم حسابداری مقایسه‌پذیری دارند که برای مجموعه‌ای مفروض از رویدادهای اقتصادی، صورت‌های مالی مشابهی تهیه کنند. آنها برای عملیاتی کردن مفهوم اندازه‌گیری شباهت‌ها در این مدل، بازده سهام را به عنوان شاخصی برای رویدادهای اقتصادی و سود را به عنوان معیار خروجی صورت‌های مالی به کار می‌گیرند. بر این اساس، آنها فرض می‌کنند که سود حسابداری شرکت، تابعی خطی از بازده سهام شرکت است و پارامترهای این خط (شامل عرض از مبدأ و شیب) از طریق برآورد رگرسیون خاص هر شرکت با داده‌های سری زمانی به دست می‌آید. تمام داده‌های مورد استفاده در مدل، داده‌های فصلی (سه ماهه) می‌باشد. این مدل جهت مقایسه‌پذیری شرکت‌ها و صنایع درون کشوری بکار می‌رود.

مدل بارث و همکاران (۲۰۱۲): آنها معتقدند که مبالغ حسابداری در صورتی قابل مقایسه هستند که تغییرات یکسان در نتایج اقتصادی را توضیح دهند. قابلیت مقایسه به میزان نزدیک بودن معیارها به یکدیگر مربوط می‌شود، نه اینکه یک معیار بزرگ‌تر از دیگری باشد. این مدل تعدیل شده مدل دی‌فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) بوده ولی از چند نظر متفاوت از آن نیز می‌باشد. مدل دی‌فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) قابل مقایسه بودن درآمد یک شرکت خاص با سایر شرکت‌های همان صنعت را بررسی کرده، در حالی که مدل بارث و همکاران (۲۰۱۲) قابل مقایسه بودن را در یک محیط بین‌المللی بررسی می‌کند. داده‌های مورد استفاده جهت مدل سالانه می‌باشد، دلیل این امر دسترسی کمتر به داده‌های سه ماهه در کشورهای مختلف عنوان گردید. ایشان رگرسیون مستقیم بازده بر روی مبالغ حسابداری را برآورد کرده، و قابلیت مقایسه را بر اساس روابط مقطعی ارزیابی می‌کنند زیرا به دنبال تعیین این هستند که آیا سیستم‌های حسابداری در یک مقطع زمانی قابل مقایسه هستند یا خیر.

مدل پارک: این مدل نیز تعدیل شده مدل دی‌فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) بوده ولی از چند جهت متفاوت از آن نیز می‌باشد. ایشان از اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی به عنوان نماینده سیستم‌های حسابداری استفاده کرده و قابلیت مقایسه را به ترتیب از رابطه اقلام تعهدی - بازده و جریان‌های نقدی - بازده استخراج می‌کند. انگیزه استفاده از جریان‌های نقدی برای اندازه‌گیری عملیات زیربنایی شرکت‌ها این است که جریان‌های نقدی عملیاتی عمدتاً نتیجه فرآیند سود بنیادی یک شرکت است، در حالی که اقلام تعهدی منعکس‌کننده ویژگی‌های سیستم حسابداری است. همانند مدل دی‌فرانکو از داده‌های فصلی استفاده نموده و جهت مقایسه درون شرکتی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳- روش‌شناسی

نظر به این که پژوهش حاضر به بررسی روند (افزایش یا کاهش) قابلیت مقایسه در طول زمان و در کشورهای با اقتصادهای متنوع صورت گرفته است؛ از نوع پژوهش‌های توسعه‌ای می‌باشد. همچنین، با عنایت به این که از اطلاعات صورت‌های مالی شرکت‌ها (داده‌های تاریخی) استفاده شده است، از نوع مطالعات پس‌رویدادی است. پژوهش حاضر به لحاظ روش اجرا از نوع پژوهش‌های همبستگی است. فرضیه‌های اول تا سوم پژوهش بر اساس مدل‌های رگرسیونی تلفیقی/ ترکیبی و همچنین، فرضیه‌های چهارم و پنجم بر مبنای آماره t با دو نمونه مستقل، آزمون فرضیه‌ها و تحلیل‌های آماری پژوهش با استفاده از نرم‌افزار ایویوز ۹ انجام شده است.

صندوق بین‌المللی پول^۱ (۲۰۲۰) کشورهای جهان را از لحاظ اقتصادی به سه سطح؛ توسعه یافته، نوظهور و در حال توسعه تقسیم می‌کند. کشورهای توسعه یافته (کشورهای G7)، شامل فرانسه، ایتالیا، آلمان، ژاپن، ایتالیا، کانادا و آمریکا، کشورهای نوظهور (کشورهای E7)^۲ شامل هفت کشور چین، هند، برزیل، ترکیه، روسیه، مکزیک و اندونزی و مابقی کشورها به عنوان اقتصادهای در حال توسعه انتخاب گردید. جهت انجام مطالعه تطبیقی، کشورهایی انتخاب می‌شود که حداقل فاصله اقتصادی را داشته باشند، بر این اساس ایتالیا و اندونزی انتخاب گردیده است. ایتالیا کمترین میانگین تولید ناخالص داخلی را در میان کشورهای توسعه یافته طی ده سال اخیر، و اندونزی نیز کمترین را در بین کشورهای نوظهور دارد. از لحاظ استانداردهای حسابداری، ایتالیا استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را الزامی نموده و ایران و اندونزی استانداردهای محلی خود را با این استانداردها همگرا نموده‌اند.

داده‌های مطالعه حاضر، شامل داده‌های گزارش‌های مالی و اطلاعات بازار شرکت‌ها در کشورهای مورد مطالعه بوده است. گزارش‌های مالی در کشور ایران با مراجعه به سایت سامانه جامع اطلاع رسانی ناشران (کدال)، در کشور ایتالیا، با مراجعه به سایت شرکت‌ها و گزارشات مالی هر شرکت و در کشور اندونزی از طریق گزارشات مالی ارائه شده در سایت <https://www.idnfinancials.com/company> استخراج گردید. اطلاعات بازار در ایران با مراجعه به سایت شرکت مدیریت فناوری بورس تهران، و در خصوص دو کشور دیگر از سایت www.investing.com گردآوری گردید.

جامعه مورد مطالعه این پژوهش، متشکل از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار سه کشور، در دوره زمانی ۱۳۹۱ الی ۱۴۰۰ و دوره زمانی معادل آن ۲۰۱۲ الی ۲۰۲۱ (دوره ۱۰ ساله) بوده و جهت انتخاب نمونه معیارهای زیر مد نظر می‌باشد:

به پیروی از کاناوی (۲۰۱۷)، صنایعی انتخاب می‌گردد که حداقل ۵ شرکت در دوره زمانی پژوهش داشته باشند، قبل از سال مالی ۱۳۹۰ (۲۰۱۱) در تابلوی معاملاتی بورس کشور

مربوطه پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۴۰۰ (۲۰۲۱) حذف نشده باشند. در طی دوره پژوهش تغییر سال مالی نداده باشند. شرکت‌هایی که داده‌های مالی را تنها برای یک دوره مالی ارایه نکرده‌اند از نمونه حذف می‌شوند. بر اساس مدل پژوهش، معیار مقایسه‌پذیری گزارش‌های مالی، در سطح سال-صنعت-شرکت صورت می‌گیرد، بنابراین باید صنایع انتخابی در هر سه کشور یکسان باشند، با اعمال شرایط فوق، صنایع انتخابی شامل، صنایع غذایی و آشامیدنی، املاک و مستغلات، بیمه، بانکداری، پالایش و سیمان می‌باشد. همچنین با توجه به اینکه مقایسه در سطح صنعت بوده، بنابراین تمامی شرکت‌های هر صنعت در صورت داشتن شرایط بالا، انتخاب گردیده است. بر این اساس ۵۳ شرکت از ایران، ۷۶ شرکت از اندونزی و ۴۲ شرکت از ایتالیا مورد مطالعه قرار گرفت.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها: در راستای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها در این پژوهش، از روش «داده‌های تلفیقی/ ترکیبی» استفاده شده است. ضرورت استفاده از این روش، در جهت افزایش تعداد مشاهدات، کاهش ناهمسانی واریانس، بالا بردن درجه آزادی و کاهش هم‌خطی میان متغیرها است. جهت آزمون فرضیه‌های اول تا سوم در سطح کل شرکت‌ها در سه کشور ایران، اندونزی و ایتالیا، روند کلی قابلیت مقایسه در طول سال‌های ۱۳۹۱-۱۴۰۰ یا معادل آن، یعنی در طول سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۲۱ (دوره پژوهش) بر مبنای مدل رگرسیونی زیر در حالت تلفیقی/ ترکیبی تخمین زده شد:

$$COMP_{it} = \beta_0 + \beta_1 TT_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

$COMP$ امتیاز مقایسه‌پذیری شرکت i در سال t است و TT یک متغیر گسسته زمانی از ۱ تا ۱۰ برای سنجش روند زمانی است که نشان‌دهنده پیشرفت زمان در طول سال‌های پژوهش ۱۳۹۱-۱۴۰۰ یا ۲۰۱۲-۲۰۲۱ است. اگر قابلیت مقایسه در حال افزایش (کاهش) باشد، ضریب زمان (β_1)، مثبت (منفی) خواهد بود. به عبارتی، در این مرحله مشخص خواهد شد که آیا در طول دوره زمانی پژوهش، قابلیت مقایسه افزایش پیدا کرده است یا نه. در نهایت، برای آزمون فرضیه‌های چهارم و پنجم پژوهش، از آماره t با دو نمونه مستقل، استفاده بعمل آمده است.

قبل از تخمین مدل‌های رگرسیونی جهت آزمون فرضیه‌های اول تا سوم، الگوی مناسب رگرسیونی انتخاب گردید. در ابتدا با استفاده از آزمون F لیمر به انتخاب مدل داده‌های تلفیقی در برابر مدل داده‌های ترکیبی پرداخته شد. چنانچه مقدار احتمال آماره F لیمر کم‌تر از سطح معناداری ۵٪ باشد، استفاده از روش داده‌های تلفیقی منتفی می‌شود. اما صورتی که سطح معناداری از ۵٪ بیش‌تر باشد، استفاده از روش داده‌های تلفیقی مناسب خواهد بود (یافی، ۲۰۰۳). فرضیه H_1 این آزمون بیانگر وجود تفاوت معنادار در بین ضریب تعیین دو روش است. جهت عدم انتخاب مدل داده‌های تلفیقی در برابر داده‌های ترکیبی، از آزمون هاسمن استفاده

خواهد شد. در صورت پذیرش فرضیه H_0 از روش ترکیبی با اثرات تصادفی و در صورت پذیرش فرضیه H_1 از روش ترکیبی با اثرات ثابت استفاده خواهد گردید (یافی، ۲۰۰۳).

متغیرهای پژوهش: متغیر مستقل اول پژوهش حاضر، متغیر روند زمانی^{۱۰} است که برای محاسبه آن از یک متغیر گسسته زمانی از ۱ تا ۱۰ استفاده شد که نشان‌دهنده پیشرفت زمان در طول سال‌های پژوهش ۱۳۹۱-۱۴۰۰ یا ۲۰۱۲-۲۰۲۱ بوده و برای آزمون فرضیه‌های اول تا سوم پژوهش از آن استفاده بعمل آمده است. همچنین، متغیر مستقل دوم در این مطالعه، نوع کشور است که شامل کشور ایران (در حال توسعه)، اندونزی (نوظهور) و ایتالیا (توسعه‌یافته) بوده و برای آزمون فرضیه‌های چهارم و پنجم پژوهش از آن استفاده بعمل آمده است.

متغیر وابسته این پژوهش قابلیت مقایسه گزارشگری مالی^{۱۱} است. در حال حاضر روش متداول جهت سنجش قابلیت مقایسه، به‌کارگیری مدل دی‌فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) است. آنها قابلیت مقایسه را با استفاده از رگرسیون سری زمانی سود سه ماهه بر بازده سهام اندازه‌گیری نمودند. بارث و همکاران (۲۰۱۲) مدل دی‌فرانکو را تعدیل نموده و از سود سالانه برای ارزیابی مقایسه سیستم‌های حسابداری در یک محیط بین‌المللی استفاده نمودند. آنها رگرسیونی از بازده بر روی سود را برای تعریف قابلیت مقایسه پیاده‌سازی نمودند. با توجه به استفاده قبلی از مدل بارث و همکاران (۲۰۱۲) در یک محیط بین‌المللی و مقایسه بین کشوری، و نیز در دسترس بودن کمتر داده‌های مالی فصلی برای بعضی از شرکت‌ها در کشورهای مورد مطالعه (کشورهای ایتالیا و اندونزی)، در این پژوهش نیز، مدل بارث و همکاران (۲۰۱۲) به عنوان معیار سنجش قابلیت مقایسه استفاده شده است. بر اساس این مدل، معیار مقایسه‌پذیری گزارش‌های مالی، در سطح سال-صنعت محاسبه می‌شود و شرکت‌هایی با پیروی از هر مجموعه‌ای از استانداردهای حسابداری را می‌تواند شامل شود.

محاسبه و سنجش معیار مقایسه‌پذیری، دارای پنج مرحله به شرح ذیل است:

مرحله اول: رابطه بین بازده سهام و سود حسابداری در سطح کشور-سال-صنعت برآورد شده است:

$$RET_{it}^{Cj} = \beta_{0t}^{Cj} + \beta_{1t}^{Cj} \left[\frac{NI_{it}}{P_{it-1}} \right] + \beta_{2t}^{Cj} \left[\frac{\Delta NI_{it}}{P_{it-1}} \right] + \beta_{3t}^{Cj} Loss_{it} + \beta_{4t}^{Cj} Loss_{it} * \left[\frac{NI_{it}}{P_{it-1}} \right] + \beta_{5t}^{Cj} Loss_{it} * \left[\frac{\Delta NI_{it}}{P_{it-1}} \right] + \varepsilon_{it}^{Cj} \quad (2)$$

C_j مضرب ارزش‌گذاری مربوط به سیستم حسابداری برای کشور C در صنعت J است. بنابراین، β در سطح هر کشور-سال-صنعت در نمونه متفاوت خواهد بود. NI (ΔNI) سود خالص قبل از مالیات به ازای هر سهم (تغییر سود خالص قبل از مالیات به ازای هر سهم) برای شرکت i در پایان سال t است. P قیمت هر سهم و RET بازده حاصل از خرید و نگهداری سهام است. $Loss$ برای شرکت‌های زیان‌ده برابر با ۱ و در غیر این صورت، برابر ۰ است.

نحوه برآورد این مدل به این صورت است که مثلاً برای صنعت پالایش در سال ۱۳۹۱ و برای کشور ایران، یک رابطه و برای سال ۱۳۹۲ رابطه دیگری استخراج شده است. این کار برای کل سال‌های نمونه و برای کل کشورهای نمونه در صنعت پالایش و سایر صنایع مورد بررسی انجام شده است.

مرحله دوم: بازده سهام برای هر شرکت و با توجه به صنعتی که در آن فعالیت دارد و با در نظر گرفتن مدل کشور مربوطه برای هر سال به شرح ذیل محاسبه شد:

$$\widehat{RET}_{it}^{Cj} = \hat{\beta}_{0t}^{Cj} + \hat{\beta}_{1t}^{Cj} \left[\frac{NI_{it}}{P_{it-1}} \right] + \hat{\beta}_{2t}^{Cj} \left[\frac{\Delta NI_{it}}{P_{it-1}} \right] + \hat{\beta}_{3t}^{Cj} Loss_{it} + \hat{\beta}_{4t}^{Cj} Loss_{it} * \left[\frac{NI_{it}}{P_{it-1}} \right] + \hat{\beta}_{5t}^{Cj} Loss_{it} * \left[\frac{\Delta NI_{it}}{P_{it-1}} \right] \quad (3)$$

مرحله سوم: بازده سهام با استفاده از مدل‌های نمونه کشورهای مختلف برای هر شرکت و با در نظر گرفتن صنعت مربوطه در هر سال به شرح ذیل محاسبه شد:

$$\widehat{RET}_{it}^{Cj, Cj^n} = \hat{\beta}_{0t}^{Cj^n} + \hat{\beta}_{1t}^{Cj^n} \left[\frac{NI_{it}}{P_{it-1}} \right] + \hat{\beta}_{2t}^{Cj^n} \left[\frac{\Delta NI_{it}}{P_{it-1}} \right] + \hat{\beta}_{3t}^{Cj^n} Loss_{it} + \hat{\beta}_{4t}^{Cj^n} Loss_{it} * \left[\frac{NI_{it}}{P_{it-1}} \right] + \hat{\beta}_{5t}^{Cj^n} Loss_{it} * \left[\frac{\Delta NI_{it}}{P_{it-1}} \right] \quad (4)$$

در این مرحله بازده یک شرکت با استفاده از مدل‌های هر یک از کشورهای دیگر در همان صنعت برآورد شد. مثلاً بازده نمونه شرکت پالایشی در ایران با استفاده از اطلاعات آن در سال ۱۳۹۱ و با مدل کشورهای دیگر موجود در نمونه (کشورهای ایتالیا و اندونزی) برای سال معادل میلادی آن (یعنی، سال ۲۰۱۲) محاسبه گردید.

مرحله چهارم: در این مرحله، قدرمطلق تفاوت بین بازده پیش‌بینی شده یک شرکت در کشور خود و بازده پیش‌بینی شده همان شرکت با استفاده از مدل سایر کشورها محاسبه شد. به عبارتی، در این مرحله، قدرمطلق تفاوت بین مرحله دوم و سوم به شرح ذیل محاسبه گردید:

$$DIFF_{it}^{Cj, Cj^n} = \left| \widehat{RET}_{it}^{Cj, Cj} - \widehat{RET}_{it}^{Cj, Cj^n} \right| \quad (5)$$

مرحله پنجم: مقایسه‌پذیری به عنوان منفی لگاریتم طبیعی میانه اعداد محاسبه شده در مرحله چهارم و به شرح ذیل تعریف شد:

$$COMP_{it} = -\ln[\text{Median}(DIFF_{it}^{Cj, Cj^n})] \quad (6)$$

۴- یافته‌ها

آمار توصیفی مرتبط با متغیر قابلیت مقایسه گزارشگری مالی به همراه متغیرهای مدل بارت و همکاران (۲۰۱۲) در سه کشور ایران، اندونزی و ایتالیا در جدول ۱ ارائه شده است. لازم به توضیح است به دلیل گسستگی و ترتیبی بودن متغیر روند زمانی، آمار توصیفی این متغیر فاقد محتوای اطلاعاتی بوده و لذا از ارائه آمار توصیفی مرتبط با آن خودداری شده است.

مقایسه ضریب تغییرات طی دوره ۱۰ ساله پژوهش حاکی از آن است که میزان قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور اندونزی در مقایسه با کشورهای ایران و ایتالیا، دارای پراکندگی کم‌تر، در نتیجه طی دوره پژوهش با ثبات و پایدار بوده است. این امر نشان می‌دهد که در کشور اندونزی به عنوان کشور نوظهور، طی دوره ۱۰ ساله اخیر، سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی، از نوسان‌پذیری کم‌تری برخوردار بوده است. این در حالی است که در کشورهای ایران به عنوان کشور در حال توسعه و ایتالیا به عنوان کشور توسعه‌یافته، سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی، از نوسان‌پذیری نسبتاً بیش‌تری برخوردار بوده است.

نتایج آزمون جارک‌برا حاکی از نرمال بودن متغیر وابسته قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در سه کشور ایران، اندونزی و ایتالیا طی دوره پژوهش است. چرا که مقدار احتمال آماره جارک‌برابری این متغیر، بیش‌تر از ۵٪ بوده است. نرمال بودن متغیر وابسته یکی از پیش‌فرض‌های مدل‌های رگرسیونی حداقل مربعات معمولی است.

نتایج آمار توصیفی مرتبط با بازده سالیانه سهام حاکی از آن است که طی دوره پژوهش، شرکت‌های ایرانی از بالاترین میانگین بازدهی (۴۳٪) و در مقابل، شرکت‌های ایتالیایی از کمترین میانگین بازدهی (۹٪) برخوردار بوده‌اند. همچنین؛ نتایج مرتبط با متغیر مجازی زیان‌ده بودن شرکت بیانگر آن است که طی دوره موردبررسی، ۲۲٪ سال-شرکت‌های ایتالیایی، ۱۳٪ سال-شرکت‌های ایرانی و ۱۲٪ سال-شرکت‌ها در کشور اندونزی زیان‌ده بوده‌اند.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	معیارها	تعداد	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار	ضریب تغییرات	آماره جارک-چارک-برابری	احتمال
ایران	قابلیت مقایسه COMP	۵۳۰	-۰/۵۵	-۰/۵۱	۳/۶۷	-۶/۶۵	۱/۶۳	-۲/۹۶	۴/۳۱	۰/۱۲
	بازده سالیانه سهام RET	۵۳۰	۰/۴۴	۰/۲۶	۲/۵۴	-۰/۶۶	۰/۷۶	۱/۷۴	۵۳/۹	۰/۰۰
	سود خالص استاندارد شده NI	۵۳۰	۰/۱۱	۰/۰۸	۰/۵۹	-۰/۴۰	۰/۱۶	۱/۴۵	۱۳۸/۱	۰/۰۰
	تغییرسودخالص استاندارد شده DNI	۵۳۰	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۴۱	-۰/۴۷	۰/۰۳	۱/۵۰	۱۲۵/۳	۰/۰۰
	زیان ده بودن شرکت LOSS	۵۳۰	۰/۱۳	۰	۱	۰	۰/۳۳	۲/۵۴	۶۵۲/۷	۰/۰۰
اندونزی	قابلیت مقایسه COMP	۷۶۰	۰/۷۸	۰/۸۵	۵/۴۰	-۵/۷۴	۱/۴۸	۱/۹۰	۴/۱۰	۰/۱۳
	بازده سالیانه سهام RET	۷۶۰	۰/۱۵	۰/۰۸	۱/۷۱	-۰/۸۳	۰/۴۱	۲/۷۳	۱۶۶/۱	۰/۰۰
	سود خالص استاندارد شده NI	۷۶۰	۰/۱۰	۰/۰۷	۰/۶۹	-۰/۶۳	۰/۱۹	۱/۹۰	۶۸۰/۳	۰/۰۰
	تغییرسودخالص استاندارد شده DNI	۷۶۰	۰/۰۱	۰/۰۰۴	۰/۸۹	-۰/۴۰	۰/۰۲	۲/۰۰	۲۶۸/۵	۰/۰۰
	زیان ده بودن شرکت LOSS	۷۶۰	۰/۱۲	۰	۱	۰	۰/۳۲	۲/۶۷	۱۱۱/۲	۰/۰۰
ایتالیا	قابلیت مقایسه COMP	۴۲۰	۰/۵۹	۰/۶۳	۳/۶۲	-۶/۸۱	۱/۳۴	۲/۲۷	۳/۱۵	۰/۲۱
	بازده سالیانه سهام RET	۴۲۰	۰/۰۹	۰/۰۸	۱/۲۷	-۰/۷۶	۰/۱۸	۲/۰۰	۳/۱۸	۰/۰۰
	سود خالص استاندارد شده NI	۴۲۰	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۸۲	-۰/۶۰	۰/۱۸	۳/۶۰	۵۵۸/۰	۰/۰۰
	تغییرسودخالص استاندارد شده DNI	۴۲۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰۲	۰/۵۳	-۰/۶۳	۰/۰۰۶	۲/۰۰	۴۷۷/۴	۰/۰۰
	زیان ده بودن شرکت LOSS	۴۲۰	۰/۲۲	۰	۱	۰	۰/۴۲	۱/۹۱	۱۲۴/۱	۰/۰۰

آزمون فرضیه‌های پژوهش

قبل از آزمون فرضیه‌های اول تا سوم، به انتخاب الگوی مناسب رگرسیونی در سه کشور ایران، اندونزی و ایتالیا پرداخته شد. مقدار احتمال آماره F لیمر در تمام فرضیه‌ها کم‌تر از سطح معناداری ۵٪ بوده و لذا، برای آزمون فرضیه‌های اول تا سوم، استفاده از روش داده‌های تلفیقی منتفی است. همچنین، مقدار احتمال آماره هاسمن نیز در تمام فرضیه‌ها بیش‌تر از سطح معناداری ۵٪ بوده است. از این رو، دلیل کافی برای رد الگوی ترکیبی با اثرات تصادفی وجود ندارد و برای آزمون فرضیه‌های اول تا سوم، از الگوی ترکیبی با اثرات تصادفی استفاده گردید. نتایج آزمون‌های F لیمر و هاسمن در ذیل جدول مدل‌های رگرسیونی ارائه شده است.

مدل‌های رگرسیونی ترکیبی با اثرات تصادفی تأثیر متغیر روند زمانی بر قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در سه کشور ایران، اندونزی و ایتالیا در جدول ۲ ارائه شده است. نتایج حاصله در جدول ۲ نشان می‌دهد که تأثیر متغیر روند زمانی بر قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در دو کشور ایران و اندونزی، مثبت (به ترتیب، ۰/۰۷ و ۰/۰۲) و با توجه به احتمال آماره‌های t (به ترتیب، ۰/۰۰۱۱ و ۰/۳۱۰۹)، تنها در کشور ایران معنادار بوده است. این موضوع نشان می‌دهد که روند قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور در حال توسعه ایران طی دوره ۱۰ ساله اخیر، افزایشی بوده است. از این رو، شواهد کافی برای رد فرضیه سوم پژوهش حاضر وجود ندارد. این در حالی است که در کشور توسعه‌یافته ایتالیا، تأثیر متغیر روند زمانی بر قابلیت مقایسه گزارشگری مالی، منفی (۰/۰۹-) و با توجه به احتمال آماره t (۰/۰۰۰۰) معنادار بوده است. این امر حاکی از آن است که طی دوره ۱۰ ساله اخیر، قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشورهای توسعه‌یافته از جمله در کشور ایتالیا، نه تنها افزایشی نبوده؛ بلکه از روند نزولی و کاهشی برخوردار بوده است.

نتایج مربوط به آماره F نیز حاکی از معناداری مدل‌ها در حالت کلی بوده و مدل‌ها با توجه به نتایج آماره دوربین-واتسون، فاقد مشکل خودهمبستگی بوده‌اند.

علاوه بر آن، نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که طی دوره ۱۰ ساله پژوهش، به ترتیب، حدود ۱۷٪، ۶/۷٪ و ۲۲/۶٪ از تغییرات میزان قابلیت مقایسه گزارشگری مالی تحت تأثیر متغیر روند زمانی در کشورهای ایران، اندونزی و ایتالیا بوده است. نتایج آماره جاک-برا نیز حاکی از نرمال بودن باقی‌مانده‌های مدل‌های رگرسیونی است.

با توجه به مثبت و معنادار بودن تأثیر متغیر روند زمانی بر قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور ایران، فرضیه سوم پژوهش، مورد تأیید واقع می‌شود. این در حالی است که تأثیر متغیر روند زمانی بر قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور ایتالیا، منفی و معنادار بوده است. از این رو، فرضیه اول پژوهش مورد تأیید واقع نمی‌شود. یعنی؛ قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور توسعه‌یافته ایتالیا، افزایش نیافته است.

جدول ۲. تأثیر روند زمانی بر قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در سه کشور ایران، اندونزی و ایتالیا

ایالتا (توسعه‌یافته)		اندونزی (نوظهور)		ایران (در حال توسعه)		آماره‌ها- کشور
احتمال آماره t	مقدار آماره t	احتمال آماره t	مقدار آماره t	احتمال آماره t	مقدار آماره t	مقیاسها
-/۰۰۰۰	۷/۱۱	-/۰۰۰۰	۶/۶۲	-/۰۰۲۶	-۳/۰۳	مقدار ثابت C
-/۰۰۰۰	-۵/۰۵	-/۰۰۰۹	۱/۰۹	-/۰۰۱۷	۳/۱۹	روند زمانی TT
ایران (در حال توسعه) - مدل رگرسیونی ترکیبی با اثرات تصادفی						
	آماره دوربین-واتسون	احتمال آماره F	احتمال چارکیرا باقیمانده	مقدار چارکیرا باقیمانده	مقدار چارکیرا باقیمانده	ضریب تعیین
	۱/۶۴۵	-/۰۰۰۰	-/۱۱۲	۴/۳۷۹	-/۱۱۰	ضریب تعیین تعدیل شده
	احتمال	درجه آزادی	آزمون هاسمن	احتمال	درجه آزادی	آزمون F لیبر
	-/۱۱۶۷	۱	مقدار کای دو	-/۰۰۰۰	(۲ و ۴۷۶)	مقدار F
اندونزی (نوظهور) - مدل رگرسیونی ترکیبی با اثرات تصادفی						
	آماره دوربین-واتسون	احتمال آماره F	احتمال چارکیرا باقیمانده	مقدار چارکیرا باقیمانده	مقدار چارکیرا باقیمانده	ضریب تعیین
	۱/۵۲۰	-/۰۰۰۰	-/۰۶۲	۵/۵۵۲	-/۰۶۷	ضریب تعیین تعدیل شده
	احتمال	درجه آزادی	آزمون هاسمن	احتمال	درجه آزادی	آزمون F لیبر
	۱/۰۰۰۰	۱	مقدار کای دو	-/۰۰۰۰	(۷۵ و ۶۸۳)	مقدار F
ایتالیا (توسعه‌یافته) - مدل رگرسیونی ترکیبی با اثرات تصادفی						
	آماره دوربین-واتسون	احتمال آماره F	احتمال چارکیرا باقیمانده	مقدار چارکیرا باقیمانده	مقدار چارکیرا باقیمانده	ضریب تعیین
	۱/۵۲۶	-/۰۰۰۰	-/۱۴۲	۲/۱۰۵	-/۱۲۶	ضریب تعیین تعدیل شده
	احتمال	درجه آزادی	آزمون هاسمن	احتمال	درجه آزادی	آزمون F لیبر
	۱/۰۰۰۰	۱	مقدار کای دو	-/۰۰۰۰	(۴۱ و ۲۷۷)	مقدار F

در راستای آزمون فرضیه‌های چهارم و پنجم پژوهش، نتایج مرتبط با مقایسه میانگین سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی از طریق آزمون‌های t با دو نمونه مستقل در جدول ۳ ارائه شده است.

نتایج حاصل از مقایسه میانگین سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور توسعه‌یافته ایتالیا با میانگین سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور نوظهور اندونزی و همچنین در مقایسه با میانگین سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور در حال توسعه ایران حاکی از آن است که طی دوره ۱۰ ساله اخیر، میانگین قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور توسعه‌یافته ایتالیا نسبت به کشور در حال توسعه ایران، به طور چشمگیری بیش‌تر بوده است. این در حالی است که میانگین قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور توسعه‌یافته ایتالیا نسبت به کشور نوظهور اندونزی، به طور چشمگیری کم‌تر بوده است. از این رو، در مورد فرضیه چهارم پژوهش نمی‌توان قضاوت نمود.

این در حالی است میانگین سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور نوظهور اندونزی در مقایسه با میانگین سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور در حال توسعه ایران، به طور چشمگیری بیش‌تر بوده است. از این رو، فرضیه پنجم پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۳. نتایج مرتبط با مقایسه میانگین سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در سه کشور ایران، اندونزی و ایتالیا

سطح مقایسه	درجه آزادی	مقدار آزمون t	احتمال آزمون t
مقایسه میانگین سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی ایتالیا با اندونزی	۱۱۷۸	-۲/۱۴	-/۰۰۳۲۷
مقایسه میانگین سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی ایتالیا با ایران	۹۴۸	۱۱/۶۱	-/۰۰۰۰
مقایسه میانگین سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی اندونزی با ایران	۱۲۸۸	۱۵/۲۴	-/۰۰۰۰

۵- بحث و نتیجه‌گیری

بیشترین تلاش‌های جهانی در حوزه افزایش قابلیت مقایسه از طریق تدوین استانداردهای حسابداری در طول بیست سال گذشته رخ داده است. این امر نشان دهنده نقش مقایسه‌پذیری در تخصیص بهینه منابع و مزایای متعدد آن می‌باشد. در ایران سازمان حسابرسی در تلاش برای افزایش قابلیت مقایسه از طریق تهیه استانداردهای همگرا با استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی هستند. بنابراین در این پژوهش به بررسی تطبیقی روند قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در سطح کشورهای در حال توسعه (ایران)، نوظهور (اندونزی) و توسعه‌یافته (ایتالیا) طی دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۴۰۰ (۲۰۱۲-۲۰۲۱) پرداخته شد، تا مشخص گردد، آیا تلاش‌های تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری منجر به نتیجه‌گردیده است؟. همچنین روند رشد قابلیت مقایسه در ایران نسبت به کشورهای که استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی را پذیرفته‌اند به چه شکل می‌باشد. به طور کلی نتایج حاکی از آن است که تأثیر متغیر روند زمانی بر قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در دو کشور ایران و اندونزی، مثبت؛ ولی تنها در کشور ایران معنادار بوده است. این در حالی است که تأثیر متغیر روند زمانی بر قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور ایتالیا، منفی و معنادار بوده است. همچنین، طی دوره ۱۰ ساله اخیر، میانگین قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور ایتالیا نسبت به کشور ایران، به طور چشمگیری بیشتر و در مقایسه با کشور اندونزی، به طور قابل ملاحظه‌ای کم‌تر بوده است. همچنین، میانگین سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور نوظهور اندونزی در مقایسه با میانگین سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور در حال توسعه ایران، به طور چشمگیری بیشتر بوده است.

نتایج آزمون فرضیه اول نشان‌دهنده آن است که طی دوره ۱۰ ساله اخیر، قابلیت مقایسه در کشور ایتالیا به عنوان یک کشور با اقتصاد توسعه یافته، افزایش پیدا نکرده است. این در حالی است که در طول بیست سال گذشته تمام تلاش‌های استانداردارگذار حرکت به سمت تدوین و اجرای استانداردهایی با هدف افزایش قابلیت مقایسه بوده است؛ این موضوعی است که مد نظر هیأت استانداردهای حسابداری مالی بوده و هیأت استانداردهای حسابداری بین‌المللی نیز بر آن تأکید کرده و رسیدن به حداکثر قابلیت مقایسه را هر دو نهاد به عنوان هدف مشترک خود بیان نموده‌اند، بنابراین نتایج فرضیه اول همراستا با اهداف هیأت‌های تدوین استانداردهای حسابداری نبوده است. بازارهای سهام توسعه‌یافته‌تر با قابلیت مقایسه بالاتر همراه هستند. همچنین با توجه به اینکه بازارهای سهام به طور مشترک با سایر ویژگی‌های کشور توسعه می‌یابند. بازارهای بزرگتر مستلزم مقررات بهتر، نظارت بیشتر سرمایه‌گذاران، و در نتیجه ایجاد تقاضا برای صورت‌های مالی با کیفیت بالا و قابل مقایسه است. با بررسی داده‌های بانک جهانی، ارزش بازار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس کشور ایتالیا از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰

روند صعودی دارد، ولی نتایج آزمون نشان می‌دهد علارغم توسعه بازارهای سهام در کشور ایتالیا قابلیت مقایسه روند صعودی نداشته است. نتایج در مورد عدم افزایش روند سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور توسعه‌یافته ایتالیا طی دوره ۱۰ ساله اخیر، تا حدودی همراستا با نتایج پژوهش قبلی ایزوکاوا (۲۰۲۱) در کشور توسعه‌یافته ژاپن، و لیکن مغایر با یافته کاناوی (۲۰۲۲) مبنی بر بهبود قابلیت مقایسه در ۳۶ کشور با اقتصاد بزرگ بوده است.

در خصوص فرضیه‌های دوم و سوم، نتایج نشان می‌دهد که طی ۱۰ سال اخیر در دو کشور ایران و اندونزی، قابلیت مقایسه افزایش یافته است. این امر همراستا با پیروی و تبعیت این دو کشور از هدف یکسان هیأت‌های تدوینگر استاندارد، مبنی بر استفاده از استانداردهای حسابداری با کیفیت بالا در راستای حضور پررنگ در بازارهای سرمایه جهانی است. نتایج بیانگر این است که هر دو کشور در راستای مقررات‌گذاری در حسابداری اقدام به پذیرش استانداردهای حسابداری بین‌المللی نموده و یا با تنظیم و اجرای استانداردهای حسابداری با کیفیت که همسو با استانداردهای حسابداری بین‌المللی است، توانسته‌اند کیفیت گزارشگری مالی را در کشور مربوطه افزایش دهند. این موضوع سبب افزایش دقت پیش‌بینی تحلیلگران و کاهش پراکندگی پیش‌بینی‌های آنها مطابق با یافته دی‌فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) در این دو کشور خواهد شد. از طرفی با بررسی ارزش بازار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اندونزی از سال ۲۰۰۰ (۲۷ میلیارد دلار) تا ۲۰۲۰ (۴۹۶ میلیارد دلار) و بورس ایران از سال ۲۰۰۰ (۲۷ میلیارد دلار) تا ۲۰۲۰ (۲۲۰ میلیارد دلار)، مشخص می‌شود، روند توسعه بازار سرمایه در هر دو کشور صعودی بوده است. این امر بیانگر این است که همگام با توسعه بازار سرمایه در هر دو کشور، قابلیت مقایسه نیز افزایش یافته است، که مطابق با یافته بورگستالر و همکاران (۲۰۰۶) و کاناوی (۲۰۱۷) می‌باشد. این موضوع آینده نسبتاً روشنی در زمینه افزایش کیفیت اطلاعات مالی در کشورمان را نوید می‌دهد و نشان‌دهنده آن است که کیفیت گزارشگری مالی در ایران هم‌گام با اقتصادهای بزرگتر در حال افزایش می‌باشد.

نتایج فرضیه چهارم حاکی از آن است که طی دوره ۱۰ ساله اخیر، میانگین قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور توسعه‌یافته ایتالیا نسبت به کشور در حال توسعه ایران، به طور چشمگیری بیش‌تر بوده است. این در حالی است که میانگین قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور توسعه‌یافته ایتالیا نسبت به کشور نوظهور اندونزی، به طور چشمگیری کم‌تر بوده است. از این رو، در مورد فرضیه چهارم پژوهش نمی‌توان قضاوت نمود. نتایج ناشی از آزمون این فرضیه را می‌توان چنین تفسیر نمود که، بازار سرمایه در کشور ایتالیا نسبت به کشور ایران، بزرگتر بوده، بنابراین مطابق پژوهش کاناوی (۲۰۱۷)، قابلیت مقایسه گزارشگری مالی نیز بیشتر می‌باشد، اما در خصوص اندازه بازار دو کشور ایتالیا (سال ۲۰۲۰، ۶۸۶ میلیارد دلار) و اندونزی (سال ۲۰۲۰، ۴۹۶ میلیارد دلار) هر چند تفاوت وجود دارد، اما ارزش بازار دو کشور

نزدیک به هم هستند. از طرفی کشور ایتالیا استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی را پذیرفته، ولی کشور اندونزی همگرا با این استانداردها می‌باشد. مطابق پژوهش کاناوی (۲۰۲۲)، قابلیت مقایسه در کشورهایی که از استانداردهای ملی همگرا با استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی استفاده می‌کنند، در بلند مدت از رشد بیشتری برخوردار است. در حالی که کشورهایی که این استانداردها را پذیرفته‌اند به سطح بهینه مقایسه‌پذیری رسیده‌اند، بنابراین مقایسه‌پذیری در کشور اندونزی نسبت به کشور ایتالیا بیشتر بوده است.

نتایج آزمون فرضیه آخر بیانگر این است که میانگین سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور نوظهور اندونزی در مقایسه با میانگین سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور در حال توسعه ایران، بیشتر بوده، به عبارتی، قابلیت مقایسه در کشور اندونزی با اقتصاد نوظهور بیشتر از کشور ایران است. طبیعتاً کشور اندونزی با اقتصاد توسعه یافته نسبت به کشور ایران با اقتصاد در حال توسعه، دارای قوانین سختگیرانه و روند اجرایی قدرتمند بوده، بنابراین گزارشگری مالی با کیفیت در مقایسه با ایران دارد که نهایتاً سبب افزایش مقایسه‌پذیری مالی گردیده است. نتایج این فرضیه همراستا با یافته‌های بورگشتالر و همکاران (۲۰۰۶)؛ کاناوی (۲۰۱۷) و بایراکتار و همکاران (۲۰۲۳) می‌باشد. به بیان دیگر علی‌رغم افزایش قابلیت مقایسه در کشور ایران بر اساس فرضیه سوم، هنوز سطح مقایسه‌پذیری نسبت به کشورهای با اقتصاد توسعه یافته و نوظهور فاصله معناداری وجود دارد، و همگرایی استانداردهای حسابداری با استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی نیز نتوانسته این فاصله را کمتر کند.

به طور کلی می‌توان بیان نمود که، با توجه به توسعه جامعه بشری و حرکت آن به سمت ایجاد حداکثر رفاه برای بشر، نیازمند تخصیص بهینه منابع بخصوص منابع مالی کاملاً مشهود می‌باشد. بنابراین در طی دهه گذشته بازارهای سرمایه در کل جهان جهت تخصیص هر چه بهتر منابع توسعه یافته‌اند. در این خصوص داده‌های بانک جهانی تایید کننده گسترش بازارهای مالی هستند. از طرفی جهانی شدن منجر به همگن‌تر و به هم پیوستن اقتصادها در جامعه جهانی شده، این امر سبب شبیه شدن مدل‌های اقتصادی شرکت‌ها گردیده است. با توجه به تمامی این موارد می‌توان پیش‌بینی نمود که در طول سال‌های گذشته قابلیت مقایسه اطلاعات در دنیا افزایش پیدا کرده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نیز نشان‌دهنده افزایش مقایسه‌پذیری گزارشگری مالی در طول سال‌های گذشته در کشورهای مورد مطالعه در پژوهش حاضر می‌باشد. هر چند این افزایش مقایسه‌پذیری در کشورهای با اقتصاد توسعه یافته به دلیل اجرای سخت‌گیرانه استانداردهای حسابداری و قوانین مرتبط با گزارشگری مالی در دهه‌های گذشته کند و یا کاهشی بوده است.

با در نظر گرفتن نتایج پژوهش حاضر می‌توان پیشنهادها را زیر را ارائه داد:

۱- نظر به روند صعودی و افزایشی سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور ایران طی دوره ۱۰ ساله اخیر، به نظر می‌رسد که در راستای هدف یکسان هر دو هیأت استانداردهای حسابداری مالی و بین‌المللی مبنی بر استفاده از استانداردهای حسابداری با کیفیت بالا در راستای حضور پررنگ در بازارهای سرمایه جهانی، تمایل به سطح بالای قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در بین شرکت‌های ایرانی پذیرفته شده در تابلوی بورس اوراق بهادار نیز روند افزایشی داشته است. از این رو، به سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی شرکت‌های بورسی، به ویژه به سهامداران و اعتباردهندگان بالقوه توصیه می‌شود که در ارزیابی شرکت‌های بورسی با هدف تصمیم‌گیری جهت سرمایه‌گذاری در این شرکت‌ها، در کنار بررسی وضعیت و عملکرد مالی آنان، ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی شرکت‌ها از قبیل سطح قابلیت مقایسه در گزارشگری مالی آنان را نیز مدنظر قرار دهند.

- با توجه به روند صعودی و افزایشی سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور ایران طی دوره ۱۰ ساله اخیر، به نظر می‌رسد در زمینه افزایش کیفیت اطلاعات مالی، آینده نسبتاً روشنی پیش روی شرکت‌های ایرانی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد. از این رو، به سازمان بورس و اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود در راستای افزایش میزان کارایی در بازار سرمایه، ضمن تشویق شرکت‌های بورسی به افزایش سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی، بستر لازم برای عملی نمودن این اقدام را فراهم نماید.

۲- با توجه به روند صعودی و افزایشی سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در کشور ایران طی دوره ۱۰ ساله اخیر، به نظر می‌رسد در زمینه افزایش کیفیت اطلاعات مالی، آینده نسبتاً روشنی پیش روی شرکت‌های ایرانی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد. از این رو، به سازمان بورس و اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود در راستای افزایش میزان کارایی در بازار سرمایه، ضمن تشویق شرکت‌های بورسی به افزایش سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی، بستر لازم برای عملی نمودن این اقدام را فراهم نماید. موارد زیر نیز جهت پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود:

۱- بررسی تأثیر مکانیزم‌های کنترلی از قبیل، کیفیت بالای حسابرسی، درصد بالای سهام شناور آزاد، نسبت اعضای غیرمؤلف هیئت مدیره، کیفیت کمیته حسابرسی و ... بر روی روند افزایشی سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی.

۲- بررسی روند افزایشی سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در سطوح صنایع مختلف بورسی.

۳- بررسی روند افزایشی سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در شرکت‌های زیانده در مقایسه با شرکت‌های سودده.

۴- استفاده از سایر معیارهای سنجش میزان قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در بررسی روند افزایشی سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی. از جمله محدودیت عمده پژوهش حاضر این است که، استفاده از متغیر گسسته و ترتیبی (با فواصل تک واحدی) برای سنجش تأثیر روند زمانی، از قدرت تفکیک و تمایز برای اندازه‌گیری دقیق روند سطح قابلیت مقایسه گزارشگری مالی برخوردار نیست؛ با وجود این که اثر این محدودیت، از طریق سنجش قابلیت مقایسه گزارشگری مالی در قالب سال-صنعت-کشور، تا حدودی کاهش یافته است.

یادداشت‌ها

1. Financial Accounting Standards Board
2. International Accounting Standards Board
3. De Franco Model
4. Barth Model
5. Committee on the Global Financial System
6. Fortune
7. Organization For Economic Co-Operation And Development
8. International Monetary Fund
9. Emerging 7
10. Time Trend (TT)
11. Comparability (COMP)

کتابنامه

سازمان حسابرسی (۱۴۰۲). مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران. کمیته تدوین استانداردها. کلانتری، علی؛ محمدی، سید موسی؛ بهروزنیا، علیرضا. (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه صورتهای مالی و ساختار سررسید بدهی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۵(۱۷)، ۱۴۵-۱۵۸.

عرب‌مازار یزدی، محمد؛ منی، وحید؛ روشن ضمیر، جواد. (۱۴۰۱). قابلیت مقایسه صورتهای مالی و سررسید بدهی شرکتی. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۹(۷۵): ۹۵-۱۲۳. ویسی زاده، هنگامه؛ صالحی، اله کرم. (۱۴۰۱). تأثیر قابلیت مقایسه صورتهای مالی بر ساختار سررسید بدهی ها با تأکید بر نقش بیش اعتمادی مدیران. پژوهش های مالی و رفتاری در حسابداری. ۲(۱). ۹۰-۱۰۹.

References

- Agrawal, A., Chadha, S. (2005). Corporate Governance and Accounting Scandals. *Journal of Law and Economics*. 43(2), 371-406.
- Arabmazar Yazdi, M., Mennati, V., & Roshanzamir, J. (2022). Financial statement comparability and corporate debt maturity. *Empirical Studies in*

- Financial Accounting*.19(75), 95-123. doi: 10.22054/qjma.2022.67284.2370
(In Persian)
- Bayraktar, Y., Ozyilmaz., A., Toprak, T., Olgun, M. F., Isik, E. (2023). The role of institutional quality in the relationship between financial development and economic growth: Emerging markets and middle-income economies. *Borsa Istanbul Review*. 23(6), 1303-1321.
- Barth, M., Landsman, W., Lang, M., & Williams, C. (2012). Are international accounting standards-based and US GAAP-based accounting amounts comparable?: Insights from voluntary adoption of IFRS by non-US firms. *Journal of Accounting and Economics*. 54, 68-93.
- Biddle, G.C., Hilary, G. (2006). Accounting quality and firm-level capital investment. *Journal of Accounting and Economics*. 48, 112-131.
- Burgstahler, D. C., Hail, L., Leuz, C. (2006). The Importance of Reporting Incentives: Earnings Management in European Private and Public Firms. *The Accounting Review*. 81 (5), 983-1016.
- Cai, F., Wong, H. (2010). The effect of ifrs adoption on global market integration. *International Business and Economics Research Journal*. 9(10), 25-34.
- Chen, C.W., Collins, D. W., Kravet, T., Mergenthaler, R. D. (2018). Financial Statement Comparability and the Efficiency of Acquisition Decisions. *Contemporary Accounting Research*. 35(1), 164-202.
- Committee on the Global Financial System. (2019). Report submitted by a Working Group established by the Committee on the Global Financial System. 1-71. <https://www.bis.org/cgfs/>
- Conaway, J. (2022). Has Global Financial Reporting Comparability Improved?. *Contemporary Accounting Research*, 39(4), 2825-2860.
- Conaway, J. (2017). Has Global Financial Reporting Comparability Improved?. *Riedl, Edward. School of Business*. Boston University.1-84.
- Dhole, S., Liu, L., Lobo, G. J., & Mishra, S. (2021). Economic policy uncertainty and financial statement comparability. *Journal of Accounting and Public Policy*. 40(1),1-21. <https://doi.org/10.1016/j.jaccpubpol.2020.106800>
- De Franco, G., Kothari, S. P., Verdi, R. S. (2011). The Benefits of Financial Statement Comparability. *Journal of Accounting Research*. 49(4), 895-931.
- De George, E. T., Li, X., Shivakumar, L. (2016). A review of the IFRS adoption literature. *Review of Accounting Studies*. 21(3), 898-1004.
- Financial Accounting Standards Board (2023). Comparability In International Accounting Standards, <https://www.fasb.org/international>
- Fortune magazine (2023). Fortune Global 500. <https://fortune.com/ranking/global500/2020/>
- Gardi, B., Aga, M.,Abdullah, N.N. (2023). Corporate Governance and Financial Reporting Quality: The Mediation Role of IFRS. *Sustainability*. 15, 1-19. <https://doi.org/10.3390/su15139869>

- Gaynor, L.M., Kelton, A.S., Mercer, M., Yohn, T.L. (2016). Understanding the relation between financial reporting quality and audit quality. *Auditing. A Journal of Practice*. 35(4), 1-22.
- Jayaraman, S., Verdi, R. (2014). Are reporting incentives and accounting standards substitutes or complements in achieving accounting comparability?. Available at: <http://ssrn.com/abstract=2428263>.
- Habib, A., Hasan, M. M., and Alhadi, A. (2020). Financial statement comparability and idiosyncratic return volatility. *International Review of Finance*, 20(2), 383-413. <https://doi.org/10.1111/irfi.12227>.
- Habib, A. Hasan, M. M. (2017). Firm life cycle, corporate risk-taking and investor sentiment. *Accounting & Finance*. 57(2), 465-497.
- Hasan, A., Aly, D. and Hussainey, K. (2022). Corporate governance and financial reporting quality: a comparative study. *Corporate Governance*. 22(6). 1308-1326. <https://doi.org/10.1108/CG-08-2021-0298>
- Hail, L., Leuz, C., Wysocki, P. (2010). Global Accounting Convergence and the Potential Adoption of IFRS by the United States: An Analysis of Economic and Policy Factors. *Accounting Horizons*. 24(3), 355-394.
- Huang Y., Yan C.(2020). Global accounting standards, financial statement comparability, and the cost of capital. *International Review of Economics and Finance*. 69, 301-318. doi:<https://doi.org/10.1016/j.iref.2020.05.019>.
- Imhof, M. J., Seavey, S. E, Smith, D. B. (2017). Comparability and Cost of Equity Capital. *Accounting Horizons*. 31(2), 125-138.
- International Accounting Standards Board (2023). The conceptual framework for financial reporting. London. IASB. [Google Scholar].
- Isokawa, Y. (2021). Long-term comparability of accounting information in Japan. *International Journal of Economics and Accounting*. 10(2), 231-247.
- Jayaraman, S., and R. Verdi. (2014). Are reporting incentives and accounting standards substitutes or complements in achieving accounting comparability?. 1-40. Available at: <http://ssrn.com/abstract=2428263>.
- Kalantari, A., Mohammadi, S. M., Behroznia, A. (2021). Investigating the relationship between the comparability of financial statements and the debt maturity structure of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of New Research Approaches in Management and Accounting* , 5(17), 145-158. (In Persian)
- Kim, S., and Lim, S. C. (2016). Earnings Comparability and Informed Trading. *Journal of Finance Research Letters*, 20(3), 130-146.
- Lang, M., Lundholm,R. (1993). Cross-sectional determinants of analyst ratings of corporate disclosures. *Journal of Accounting Research*. 31(2), 246-271.
- Liem, N. (2021). Accounting comparability and accruals-based earnings management: Evidence on listed firms in an emerging market. *Cogent Business & Management*. 1-19.<https://doi.org/10.1080/23311975.2021.1923356>.
- Ngoc, B. T., Phuong, N. T. T., Oanh, L. T. T. (2023). The Impact of Corporate Governance on the Quality of Accounting Information: Research Based on

- Listed Companies on Vietnam's Stock Exchange. *International Journal of Professional Business Review*. 8(4), 01-27.
- Opare, S. . (2020). Capital market effects of adoption of IFRS. A thesis submitted to Victoria University of Wellington in fulfilment of the requirement for the degree of Doctor of Philosophy in Accounting. 1-167.
- Organisation For Economic Co-operation And Development. (2004). <https://www.oecd.org/corporate/ca/corporategovernanceprinciples/31557724.pdf>
- Park, D. (2013). Accrual and Cash Flow Comparability: Evidence from Stock Analysts and Credit Rating Agencies. PhD Thesis, The Ohio State University.
- Reed, D. (2002). Corporate Governance Reforms in Developing Countries. *Journal of Business Ethics*. 37, 223-247.
- Ross, J., Shi, L. and Xie, H. (2020). The determinants of accounting comparability around the world. *Asian Review of Accounting*. 28 (1), 69-88 .
- Saha Ratng Updated The World Corporate Governance Index. (2023). <http://www.saharating.com/~saharati/en/wp-content/uploads/2021/03/2021-WCGI-Report.pdf>
- Tiwary, M., and Thampy, A. (2015). Financial development and economic growth. Evidence from states in India. *J. Finance. Account. Manage*, 6(1), 41-86.
- veysizadeh, H., and Salehi, A. K. (2022). The Effect Of Financial statement comparability on corporate debt maturity with emphasis on the role of Managers' Overconfidence. *Financial and Behavioral Researches in Accounting*. 2(1), 90-109. doi: 10.30486/fbra.2021.1933854.1015(In Persian)
- Wang, C. (2014). Accounting standards harmonization and financial statement comparability: Evidence from transnational information transfer. *Journal of Accounting Research*. 52, 955-992.
- World Bank. (2023).Market Capitalization Of Listed Domestic Companies. <https://data.worldbank.org/indicator/CM.MKT.LCAP.CD>.